



الهیات عملی در بستر جامعه اسلامی

علی اردشیر لاریجانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

گرچه الهیات عملی بخشی از تأملات الهی دانان مسیحی است که در دو قرن اخیر، به ویژه با کاوش‌های شالیرماخر در غرب، مطرح گردید، در گذشته تمدن اسلامی - بدون بهره جستن از این واژگان - در سازمان روحانیت، چه شیعه و چه اهل سنت، وجود داشته است. هدف این مقاله آن است که چه موضوعاتی و چه اقداماتی در جوامع اسلامی به عنوان الهیات عملی باید مورد نظر باشد و بلکه اولویت دارد. برای دقت بیشتر در کاوش، ابتدا جوامع اسلامی به دو بخش جوامع اسلامی تحت حکومت‌های غیراسلامی و جوامع اسلامی تحت نظام یا حکومت اسلامی تقسیم و الهیات عملی در هر یک مورد تأمل واقع می‌شود. در این دو بخش گرچه موضوعات مشترک وجود دارد، امور اختصاصی آن، به ویژه با تجربه عملی پس از انقلاب اسلامی، پراهمیت و قابل توجه است. از این رو تمرکز بیشتر را اولویت‌های الهیات عملی در متن جامعه ایرانی امروز قرار داده‌ایم. چند موضوعی که در این مقاله مورد واکاوی قرار گرفته مستقیماً به ماهیت موضوعات دینی ربط پیدا نمی‌کند، اما تأثیر زیادی بر باورهای دینی مردم گذاشته است. نکته نخست درباره نحوه ارتباط روحانیت با حکومت است؛ دومی به تأثیر فرهنگ‌ها و سنن قومی و ملی بر نحوه تبلیغ دین می‌پردازد؛ نکته سوم مربوط به مقتضیات زمان در فهم دین و تبلیغ آن است؛ چهارمین به ناقص بودن طرح‌ها و عدم توفیق در ارائه طرح‌های مناسب با ادعای حکومت اشاره دارد؛ و پنجمین نکته عدم وجاهت عقلانی برخی گفتارها و رفتارها در بخش‌های حکومت را بررسی می‌نماید. همه این نکات در تلقی جامعه از باورهای دینی تأثیر گذاشته‌اند.

کلیدواژه‌ها

حکومت، باورهای دینی، روحانیت، تلقی جامعه

۱. استادیار گروه فلسفه، دانشگاه تهران، ایران. (mohammadreza.amoli@gmail.com)



Practical Theology in the Islamic Society

Ali Ardeshir Larijani¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Practical theology is part of the reflections of Christian theologians that have emerged in the last two centuries especially in the wake of Schleiermacher's works. Still, in the history of Islamic civilization there have been practical theologies (without using the term) among both Shia and Sunni scholars. This article aims to determine which topics in practical theology are most relevant to Islamic societies. "Islamic societies" will be divided into two parts, that is, Islamic societies under non-Islamic governments and Islamic societies under Islamic governments, and practical theology in both will be discussed. In spite of the commonalities between these two types of Islamic societies, the specific issues are particularly significant, especially in light of the Islamic Revolution. Our focus has therefore been on the priorities of practical theology within contemporary Iranian society. Some of the topics discussed in this article are not directly religious, but have had a major impact on people's religious beliefs. The first point is about the relationship between religious authorities and the government. In the second point I will discuss the influence of ethnic and national cultures and traditions on the propagation of religion. In the third point, I will discuss the conditions of our time and how it affects understanding and propagating religion. The fourth point examines the incompleteness of the plans and the failure to present plans that fit the government's intentions. Finally, I explore the lack of rationality in some government statements and behaviors. I will show how all of the points mentioned above affect society's perception of religious belief.

Keywords

Government, Religious Beliefs, Religious Authorities, Society's Perception

1. Assistant Professor, Department of Philosophy, University of Tehran, Tehran, Iran.
(mohammadreza.amoli@gmail.com)

مقدمه

در این مقاله به بررسی چند موضوع مهم از منظر الهیات عملی در جوامع اسلامی می‌پردازیم و در این مسیر به تأسی از ریچارد اُسمر در قالب چهار وظیفه کلیدی الهیات عملی بررسی خود را سامان می‌دهیم (Osmer 2008, 4).

۱. چرایی کاهش تأثیر نفوذ روحانیت در بین مردم

پس از جنگ جهانی دوم، که کشورهای پیروز مناطق جهان را بین خود تقسیم نمودند، حکومت‌های این مناطق چند خصوصیت را توأمأ دارا بودند: خصلت دیکتاتوری وابسته، وابستگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این کشورها؛ بی‌عدالتی در وجوه مختلف؛ منصرف نمودن مسلمانان این سرزمین‌ها از توجه به مسائل سرنوشت‌ساز امت اسلامی. این پدیده را سیاستمداران ایجاد کردند، اما چرا این طرح در عمل توفیق یافت؟

یکی از علل مهم چنین وضعی را باید در ساختار روحانیت در جهان اسلام جستجو کرد. مردم در اکثر این کشورها به جهات مختلف با روحانیت آن مناطق مرتبط‌اند. اما این سازمان پراهمیت در اغلب موارد نه تنها به مسائل اصلی مسلمانان توجه نداشته و ندارد، بلکه بعضاً در منصرف نمودن اذهان آنان از مسائل اصلی نقش داشته است. چنان‌که ایجاد خصومت بین طرفداران دو مذهب مهم اسلامی، اهل سنت و شیعیان، گرچه غالباً با هدایت کشورهای بزرگ پایه‌گذاری شد، اما برخی عالمان دینی توجیه‌گر و سامان‌دهنده فکری این بحران بودند.

علت اصلی این اعوجاج در سازمان روحانیت وابستگی آنان به حکومت‌ها است. سازمان روحانیت آنان زیرمجموعه‌ای از حکومت است و از نظر سیاسی نیز باید دیدگاه‌های حکومت را توجیه دینی کند. به تعبیر استاد مطهری، به علل خاصی که مهم‌ترین آن نداشتن بودجه مستقل است و دیگری تفکری که در باب اولی‌الامر دارند، زعیم روحانیت این کشورها هرگز آن قدر قدرت پیدا نمی‌کند که در قضیه‌ای نظیر تنباکو حکومت وقت را از پا درآورد. اما در روحانیت ایران، مقامات دولتی چنانچه نسبت به زعامت شخص تمایل نشان دهند، موجب سقوط او می‌گردد (مطهری ۱۳۹۵، ۴۹۶). علی بن بابویه، پدر شیخ صدوق، در وصیت خود وی را از ورود به دستگاه ظالم و جائر بر حذر می‌دارد (ابن بابویه قمی ۱۳۸۵، ۳۷۶). راز بسیاری از نابسامانی‌های فکری در دهه‌های اخیر نیز در همین وابستگی سازمان روحانیت به دولت‌ها نهفته است. روحانیت

شیعه از اساس یک نهاد مستقل از قدرت‌های حاکمه و قدرت‌های اقتصادی بوده است (مطهری ۱۳۹۵، ۲۷۱). شهید مطهری متذکر می‌شوند:

در شرایط حاضر هم امام گفته‌اند ... من موافق نیستم حتی در دولت جمهوری اسلامی روحانیون پست دولتی بگیرند ... روحانیت در همان جای خودش بماند، در صف ملت بماند و دولت را ارشاد و مراقبت و نظارت کند. (مطهری ۱۳۹۵، ۲۷۵)

مخصوصاً با توجه به شرایط جدید ارتباطات، و برخی نابسامانی‌ها، خلط کار روحانیت با دولت فضای روانی مساعدی برای پذیرش تفکرات دینی برای جوانان ایجاد نمی‌کند.

۲. بهره‌جستن از فرهنگ و سنن قومی و ملی در تبلیغ دینی و مقتضیات زمانه

ابن‌سینا در مدینه فاضله مورد نظر خود یکی از وظایف هیئت مشورتی حکومت را، که مرکب از نخبگان آن جامعه است، این می‌داند که به وجوه اشتراک مدنی مردم از نظر فرهنگی توجه شود تا مقررات مصوب آنان با خلق‌و‌خوی فرهنگ مردم تناسب داشته باشد (ابن‌سینا ۱۴۰۵، ۴: ۶۱)، که نشان می‌دهد حتی در جایی که آمریت دولت پشتیبان احکام آن است، مسانخت ویژگی‌های فرهنگی عامل توفیق قانون‌گذاری است. حال در تبلیغ دینی که فارغ از جنبه خشونت (حتی نوع مشروع آن) است، راهی جز بهره‌جستن از فرهنگ و سنن جامعه برای بالا بردن تأثیر نفوذ در مردم نیست.

در نظام آموزشی روحانیت کمتر در کتب درسی خود مطالعات فرهنگی و اجتماعی ملل و اقوام را قرار داده‌اند. نتیجه این نقص این است که دو گونه رفتار تبلیغی را مشاهده می‌کنید: آرای برخی از مبلغان به دلیل عدم تناسب با باورها و سنت‌های رایج کمتر مورد توجه واقع می‌گردد. به عکس، روحانیتی که با فرهنگ ملتی آشناست با سرعتی چشم‌گیر نه تنها مورد اقبال مردم واقع می‌شود بلکه تکیه‌گاه آنان می‌شود، نظیر نقش امام موسی صدر در لبنان. او با شناختی که از جامعه لبنان و ترکیبات دینی آن داشت سلوکی را از نظر عقلی و رفتاری انتخاب کرد که تکیه‌گاه نه تنها شیعیان بلکه اهل سنت و مسیحیان لبنان گردید. در مورد مقتضیات زمان نیز مطلب به همین نحو است. استاد مطهری در این زمینه فردی دغدغه‌مند بود. به عقیده ایشان برخی تصور می‌کنند «اسلام» و «مقتضیات زمان» دو پدیده غیرمتوافق و ناسازگارند. یا باید به اسلام و تعلیمات اسلامی گردن نهاد و از هر گونه نوگرایی پرهیز کرد و یا باید تسلیم مقتضیات متغیر زمان شد و اسلام را به عنوان پدیده‌ای متعلق به گذشته به بایگانی تاریخ سپرد (مطهری ۱۳۸۸، ۲۲). عده‌ای از مبلغان و

سیاسیون گاه با احساسات دینی و به قصد گسترش آن (که در جای خود امری لازم است) قصد مقابله با اندیشه‌های متفاوت دارند که موفق هم نبوده‌اند. احساسات دینی امری لازم برای پیوندهای قلبی جامعه است، اما تحت سیطره عقل. اگر به عکس احساسات دینی مسلط بر عقلانیت گردید، آن جامعه چون توانمندی فکری لازم را پیدا نکرده در مقابل احساسات از نوع دیگر دچار تزلزل می‌شود. لذا هر چه تربیت شهروندی از رشد عقلانی بیشتری برخوردار باشد، تفکر آنان از استواری بیشتری برخوردار خواهد شد.

۳. ناقص بودن طرح‌ها و عدم توفیق در ارائه طرح‌های متناسب با

دعاوی

برخی از مفاهیم که برای توسعه کشورها از اهمیت برخوردار است بسط کافی نیافته است. برای مثال، ابعاد موضوع عدالت که همه علما آن را مقصد اعلای مجاهدات انبیاء می‌دانند روشن نیست. آیا عدالت اجتماعی صرفاً دستگیری از فقرا و بی‌سپرستان است؟ یعنی صرفاً صبغه اقتصادی دارد و چیزی مترادف با ضریب جینی است یا ابعاد گسترده‌ای دارد و اگر چنین است چگونه در نظام توسعه اقتصادی کشور جای پیدا می‌کند؟

شیخ طوسی تحقق عدالت را در تمامی وجوه لازم می‌داند (طوسی ۱۴۰۱، ۲۴۳). علامه مجلسی بر این نظر است که هدف اصلی هر حکومت عدالت است (مجلسی بی‌تا، ۴۹۱، ۴۹۲). علامه نراقی معتقد است عدم تحقق عدالت باعث گسترش فساد و از بین رفتن آرامش و امنیت در جامعه می‌شود (نراقی ۱۳۸۷، ۳۷۱). با همه تأکیداتی که شیخ انصاری بر اهتراز از پذیرفتن مسئولیت در حکومت جاثران دارد، به دلیل اهمیت عدالت، می‌گوید: اگر انجام این امر منوط به پذیرش مسئولیت بود، بر او واجب است (انصاری ۱۴۱۹، ۱۶۹). مرحوم نائینی می‌گوید: آنچه در کتب سیره مسطور و موجب سربه‌زیری تمام مدعیان می‌شود بسط عدالت و مساوات است (نائینی ۱۳۸۲، ۵۸). شهید مطهری می‌گوید: «عدل از نظر اسلام خود مقیاس است و به اصطلاح اصولیون در سلسله علل احکام است، اهمیت مطلب در این است که از نظر اسلام عدالت مقیاس دین است، نه دین مقیاس عدالت» (مطهری، ۱۳۹۳، ۱: ۵۲).

همچنین، در مورد آزادی، که از ارکان حیات‌بخش هر حکومتی است، برخی از بخش‌های حکومت در مقام اجرا پایبندی لازم را بدان ندارند و توجه به این نقطه اساسی ندارند که نمی‌توانند دم از عدالت بزنند اما به آزادی بی‌توجهی داشته باشند، چرا که آزادی امر ضروری تحقق عدالت اجتماعی است. اگر عدالت بر محور استحقاق معنا پیدا کند،

اولین مرتبه آن صیانت از حقوق فطری و زمینه‌سازی برای فعلیت آن است و لازمه فعلیت استعدادهای طبیعی نبود مانع و وجود آزادی در همه بخش‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و اجتماعی است. به علاوه، نداشتن نظریه توسعه در نظام جمهوری اسلامی یک نقیصه مهم است که البته این امر به چند موضوع مربوط است، هم به بحث عدالت و آزادی ربط دارد و هم به اصل وظیفه ذاتی حکومت. این که اصلاً حکومت چه وظیفه ذاتی دارد، نیازمند بحثی نظری است. این موضوعات مهم نظیر عدالت، آزادی، وظیفه ذاتی حکومت و نظریه توسعه و... متأسفانه در بحث‌های نظری بسط کافی نیافته است. در شرایط فعلی که این کاستی خود را در متن جامعه نشان داده است، راهنمایان دینی را با مشکل مواجه ساخته و باید روی روش‌شناسی آن تامل بیشتر کرد، اما یک رکن اصلی را هرگز نباید از خاطر برد که صدق در گفتار و نشان دادن واقعیت به مردم در درازمدت نتیجه‌بخش خواهد بود.

۴. عدم وجاهت عقلانی برخی از گفتارها و رفتارها در بخش‌هایی از

حکومت

ابن سینا مبنای قانون‌گذاری را خداوند و وحی او می‌داند و به صراحت می‌گوید: «تنها کسی که شایسته فرمان دادن است و سزاوار فرمانبرداری است خداوند است» (ابن سینا ۱۴۰۴، ۴۴۲). در مقام معرفی حاکم نیز بر این نظر است که اصل حکومت با نبی است و او جانشین خود را مشخص می‌کند و در غیر این صورت باید بزرگان بر فردی اجماع نمایند که وی دارای استقلال سیاسی و دارای عقل اصیل است و همچنین از اخلاق شریفه از جهت شجاعت، پاکدامنی و حسن تدبیر و آگاهی از شریعت برخوردار می‌باشد. وی بر این نظر است که «مورد اعتمادترین خیر، عقل و سیاست‌ورزی نیکوست، لذا اگر کسی در دو شرط (عقل و سیاست‌ورزی) حق تقدم داشت و البته در سایر شرایط هم غریب نباشد، بر کسان دیگر اولویت دارد» (ابن سینا ۱۴۰۴، ۴۵۲).

تأکید ابن حکیم بر داشتن عقل اصیل و استقلال سیاسی از آن جهت است که وی بر این نظر است که اصل عقلانیت پایداری حکومت‌ها را تضمین می‌کند، حتی اگر مدینه فاضله نباشد (ابن سینا ۱۴۰۰، ۲۴۰). باید نادرستی گفتارها و رفتارهای ناسنجیده مخصوصاً در مواردی که مستقیماً به معارف دینی ربط پیدا می‌کند توضیح داده شود تا مردم این گونه سهل‌اندیشی بخش‌هایی از حکومت را مربوط به سستی تفکر دینی نپندارند.

به تعبیر علامه طباطبایی، این گونه اقدامات باعث وهن تفکر دینی می‌گردد. ایشان در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۵۸ فرمودند: «باید بیدار بود و این مقاصد که بر سر آنها زحمت‌ها کشیدند خوب پیاده شود. فردا قانون اساسی و یک سلسله مقررات و در رأس آنها مقررات دینی باید تدوین شود، طوری نشود که در آینده مسخره دیگران قرار بگیریم». ابراز سخنان غیرعقلانی یا صدور افعال سیاسی غیرعقلانی واکنشی جز تعبیر علامه طباطبایی در بر نخواهد داشت و اینها باید با تیغ نقد عالمانه مواجه گردد تا تأثیرات نامطلوب دینی در جامعه نگذارد.

نتیجه‌گیری

امروزه با جوامع آگاه مواجهیم و شاید در گذشته شاهد چنین پدیده‌ای - هوشیاری سیاسی و اجتماعی - نبودیم و این پدیده تبعات دینی مخصوصاً در جوامع اسلامی ایجاد کرده است که در بحث الهیات عملی تأثیر جدی می‌گذارد.

در این مقاله به برخی از نابسامانی‌های سیاسی-اجتماعی و نوع مواجهه علمای دینی اشاره گردید، مخصوصاً در جامعه ایرانی که حکومت متصف به ویژگی دینی است رفتارهای سیاسی و عدم توفیق‌ها در برخی شئون، خود بر واگرایی دینی تأثیر گذاشته و نوع کنش روحانیت با جامعه باید متناسب با این وضعیت خاص باشد که خود روش متفاوتی را می‌طلبد و در این نوشتار به بعضی از مسائل مهم چنین وضعیتی پرداخته شد و نشان داده شد که صحنه سیاسی-اجتماعی کاملاً در تبلیغ و توجیه دینی تأثیر دارد و طبعاً توفیق در الهیات عملی نیازمند کاوش مستمر در تشخیص شرایط این گونه جوامع است.

کتاب‌نامه

- ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۴۰۰ ق. رسائل ابن سینا: رساله سرالقدر. قم: بیدار.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۴۰۴ ق. الشفاء: الهیات. قم: مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. ۱۴۰۵ ق. الشفاء: المنطق، ج. ۴: «کتاب الخطاب». قم: مکتبه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- ابن بابویه قمی. ۱۳۸۵ ق. علل الشرایع، ج. ۱۲. نجف: مکتبه الحیدریه..
- انصاری، شیخ مرتضی. ۱۴۱۹ ق. کتاب المکاسب، ج. ۱. قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.
- طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۱ ق. التبیان فی تفسیر القرآن، ج. ۳. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. بی‌تا. عین الحیوة. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- نراقی، محمد مهدی. ۱۳۸۷. معراج السعاده. قم: هجرت.

- نائینی، محمدحسین. ۱۳۸۲. *تنبيه الامة و تنزيه المله*. به کوشش جواد ورعی. قم: بوستان کتاب.
مطهری، [شهید] مرتضی. ۱۳۹۳. *یادداشت‌ها*، ج. ۱. تهران: صدرا.
مطهری، [شهید] مرتضی. ۱۳۹۳. *یادداشت‌ها*، ج. ۱۹. تهران: صدرا.
مطهری، [شهید] مرتضی. ۱۳۸۱. *مجموعه آثار*، ج. ۱. تهران: صدرا.
مطهری، [شهید] مرتضی. ۱۳۸۸. *مجموعه آثار*، ج. ۲۱. تهران: صدرا.
مطهری، [شهید] مرتضی. ۱۳۹۵. *مجموعه آثار*، ج. ۲۴. تهران: صدرا.

Osmer, Richard R. 2008. *Practical theology: An introduction*. Wm. B. Eerdmans Publishing.